

The International Booker Prize 2024

### نامزدهای بوکر بین المللی معرفی شدند

فهرست نامزدهای اولیه جایزه ادبی بوکر بین المللی در حالی اعلام شد که نویسندگان اهل آمریکای جنوبی یک‌چهارم از نامزدها را تشکیل می‌دهند. ایسنا ضمن اعلام این خبر به نقل از گاردین نوشت، سلوا آمادا، شاعر آرژانتینی با «رودخانه نیست» رودریگو بلانکو کالدرون نویسنده ونزوئلایی با «همدردی»، اینستار ویرا جونپور نویسنده برزیلی با «گاواهن خمیده» و گابریلا وینر خبرنگار اهل پرو با «کشف‌نشده» از جمله نویسندگانی به شمار می‌روند که در فهرست نامزدهای نهایی این جایزه ادبی قرار گرفتند که به بهترین رمان‌ها و مجموعه داستان‌های کوتاه سراسر جهان اهدا می‌شود که به زبان انگلیسی ترجمه و در بریتانیا یا ایرلند منتشر شده‌اند. ۶ نامزد نهایی جایزه بوکر بین‌المللی در نیم آوریل معرفی خواهند شد و اثر برگزیده نیز در جریان مراسمی در لندن در بیست و یکم ماه می اعلام خواهد شد. از برندگان سابق جایزه بوکر بین‌المللی به هان کانگ نویسنده اهل کره جنوبی و اولگا توکار چوک نویسنده لهستانی می‌توان اشاره کرد.



### تلگرام از سال آینده به سودآوری می‌رسد

مدیرعامل تلگرام در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که این پیام‌رسان از طریق کسب‌وکار تبلیغات و اشتراک‌های پریمیوم خود صدها میلیون دلار درآمد دارد. «پاول دورف» گفت این اپلیکیشن اکنون ۹۰۰ میلیون کاربر دارد و از سال آینده میلادی به سودآوری می‌رسد. دیجیتالو ضمن اعلام این خبر نوشت، پاول دورف که در طول این سال‌ها به‌ندرت مصاحبه‌ای انجام داده است، به‌تازگی با فایننشال تایمز صحبت کرده و حرف‌های جالبی زده است. او می‌گوید در دو سال اخیر، پس از معرفی سیستم تبلیغات و اشتراک‌های پریمیوم، تلگرام به درآمدهای چندصد میلیون دلاری رسیده است. مدیرعامل تلگرام مدعی است که اگر این اپلیکیشن امسال به سودآوری نرسد، در سال آینده سودآور خواهد شد. او همچنین اعلام کرده که سرمایه‌گذاران بالقوه، تلگرام را بیش از ۳۰ میلیارد دلار ارزش‌گذاری کرده‌اند. باین‌حال، دورف فعلاً قصد فروش شرکت خود را ندارد و به‌دنبال عرضه عمومی سهام آن است.



### اعضاء هیئت انتخاب جشنواره فیلم اقوام ایرانی

هیئتی هشت‌نفره از سینماگران، آثار راه‌یافته به دو بخش نخستین دوره جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی را انتخاب کردند. روابط‌عمومی جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی ضمن اعلام این خبر نوشت جمعی از کارگردانان، بازیگران و مستندسازان مسئولیت انتخاب آثار دو بخش اصلی شامل فیلم‌های داستانی کوتاه و مستند جشنواره را بر عهده داشتند. لیلا زارع، مریم بحرالعلومی، مرجان اشرفی‌زاده، امید شمس و احسان عبدی‌پور فیلم‌های داستانی کوتاه جشنواره را برگزیدند و هادی آفریده، بابک بهداد و محمدرضا بهشتی منفرد مسئولیت انتخاب فیلم‌های بخش مستند را برعهده داشتند. بخش اصلی جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی شامل فیلم‌های داستانی (بلند و کوتاه)، مستند، انیمیشن و نماهنگ منطبق با موضوع جشنواره است. نخستین دوره جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی به‌دبیری کمال تبریزی با شعار «اقوام، ریشه ایران‌زمین» ۲۶ تا ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ در تهران برگزار می‌شود.



حسام‌الدین اسلاملو روزنامه‌نگار

«ملک‌ملکا»: همین کلمه دوبخش‌ی ساده که به خط پهلوی در حاشیه سکه‌های شاهان قدر قدرت ساسانی حک شده است، می‌تواند کل دستگاه فکری سابق درباره روند تاریخ ایران باستان و چگونگی ورود به دوران پسااستان را برهم بزند. به‌رحال سال‌ها این‌گونه تبلیغ شده بود و ما هم باور کرده بودیم که زبان پارسی تا پیش از اسلامی شدن ایران و سلطه زبان عربی، یک زبان سره و پاکیزه و عاری از واژگان بیگانه بوده است. اما همین نوشته‌روی سکه‌شاهی کافی است که متوجه شویم تاریخ مرادفات زبانی خیلی کهن‌تر و پیچیده‌تر از این شیوه ساده‌انگاره‌ای است که ما می‌پنداریم. هر چند گفته می‌شود که «ملک‌ملکا» از پیچیدگی‌های خط پهلوی است که اصلاًحاً به آن «هزوارش» می‌گویند؛ یعنی به زبان آرامی می‌نوشته‌اند: «ملک‌ملکا» و می‌خوانند: شاهنشاه یا شاه شاهان. حتی در این صورت هم دست‌کم چنین پدیده‌ای نمودار حضور و حتی تأثیرگذاری آرامی‌زبان‌ها و سریانی‌زبان‌ها در میان طبقه‌دیران و دیوان‌سالاری ایران ساسانی است. آرامی‌ها و سریانی‌هایی که حکما و پزشکان‌شان در دانشگاه مشهور به گندی‌شاپور نیز حضور پررنگی داشته‌اند و علاوه بر اینکه جزئی از تمدن ایرانی بوده‌اند، زبان‌شان نیای زبان عربی محسوب می‌شود.

بنابراین نوعی ساده‌سازی در حوزه تاریخ عمومی و یکی پدیده‌ای شده و امروز مبتذل‌تر گشته در اینستاگرام، پیرامون جایگاه اعراب به‌عنوان یک عنصر بیرونی از شاهنشاهی ساسانی انجام شده است و این

آسان‌ترین کاری بوده که عمدی یا سهوی درباره چگونگی رابطه اعراب با ساسانیان یا به‌قول عرب «کسرییان» به طور عمدی یا سهوی انجام شده است. این خطا این است که عرب و عربیت را عنصری کاملاًخارجی از قلمرو ساسانی پنداشته‌اند و قدرت گرفتن عرب در امپراطوری ایران را نیز به حمله و ورود آنان به ایران مرتبط کرده‌اند. این نوشته قصد بررسی همین موضوع را دارد.

### تناقض‌های باستان گریبان ایرانی

در اینستاگرام از شیر مرغ تا جان آدمیزاد می‌بینید. از «نکوداشت حمله گوروش کبیر به کشور بابل» تا «تسلیمت برای حمله و ورود عرب به ایران و فراموشکاری ایرانیان با تقدیس قاتلان اجداد خود»! تناقضی که باستان‌گرایان دچار آن هستند و متوجه آن نیستند یا نمی‌خواهند به آن دقت کنند این است که اگر هدف استادان‌شان به یک گذشته باستانی آرمانی مثل دوران امپراطوری‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان، هویت‌سازی برای ایرانی امروز است، چرا باید مناطق عرب‌نشین امروزی که همگی در قلب همان ایران‌شهر باستانی بوده‌اند، به بیرون از دایره ایرانی‌ت پرتاب شوند؟ جایگاه مردم مناطق عربی در چنین تاریخی کجاست؟ حتی اگر بخواهیم کشورهای تازه‌تاسیس عربی امروزی را در جمله فتوحات ایران بدانیم و آنجاها را قلب ایران‌شهر بگیریم، باز مسئله حل نمی‌شود. با تیسفون که پایتخت آن ایران‌شهر بوده است، چه کنیم؟ با اقوام عربی که در این فتوحات شاهی توسط خود شاهان ساسانی ۴۰۰ سال پیش از اسلام به داخل فلات ایران از قبیل خراسان، کرمان، فارس و خوزستان کوچانده شده‌اند، چه معامله‌ای کنیم؟ بنابراین می‌بینیم که تاریخ حضور عرب به ایران بسیار کهن‌تر از زمان فروپاشی ساسانیان است.

پژوهش‌های تاریخی مبتنی بر سکه‌ها، کتیبه‌ها و حتی بازخوانی تواریخ آمیخته با اسطوره ثابت می‌کند، تصویری که در ذهن عموم ایرانیان امروز درباره ایران باستان شکل گرفته است، اگر چه رویایی، آرمانی و شیرین به نظر می‌رسد ولی به هیچ عنوان منطبق با واقعیت نیست. از طرفی حکومت ساسانیان حکومتی دینی بوده است و شاه به‌عنوان سایه خدا به‌شمار می‌آمده و موبدان زردشتی جایگاه مهمی در سلسله‌مراتب قدرت داشته‌اند.

پس تا اینجای کار استناد به ایران پیش از اسلام به‌عنوان آرمانشهری بی‌نقص که توسط اعراب و حکومت اسلامی شان تباه شده است، به درد کار سکولارهای معاصر نمی‌خورد. از سوی دیگر از منظر قومیتی نیز برخلاف تصور پان‌آریایی‌های امروزی در قلمرو بزرگ ایران باستان با مردمی سراسر آریایی خالص روبه‌رو نیستیم که همه یک دین به‌نام دین زردشتی داشته‌اند و همگی به یک زبان سخن می‌گفته‌اند که گویش آن چه‌بسا در آذهان عمومی بی‌شابهت به شیوه مضحک صحبت کردن تئاترگونه در فیلم‌های تاریخی نیست! واقعیت اتفاقاً دقیقاًدر نقطه مقابل چنین تصویری است.

ایران در روزگار باستان نه‌ان‌ام گربه امروزی که نام یک شیر بزرگ‌تر بوده است؛ یک امپراطوری در برابر امپراطوری روم باستان. همان قدر که روم نمی‌توانسته است تماماً تک‌قومیتی، تک‌زبانی و تک‌دینی باشد که نبوده است، شاهنشاهی ساسانیان نیز مثل هر امپراطوری دیگری متکثر بوده است. همان‌طور که از نامش هم پیداست، شاهنشاهی به‌معنای به‌رسمیت شناختن شاهان محلی به‌عنوان زیرمجموعه یک شاه بزرگ بوده است و از این‌منظر ساسانیان ادامه‌دهنده دستگاه هخامنشی هستند و تفاوت‌شان با اشکانیان تنها در افزایش بیشتر قدرت مرکزی است. بنابراین در قلمرو ساسانیان ما با یک قوم یا نژاد خالص که دین و زبان دست‌نخورده‌ای داشته باشد، روبه‌رو نبوده‌ایم. به‌جز اقوام پارتی مهرپرست در دودمان‌های اشرفی قدرتمند که نسب خود را به اشکانیان می‌رسانده‌اند، ایران شامل اعراب نصرانی زیادی هم بوده است که عمدتاً ساکن غرب امپراطوری بوده‌اند ولی به‌دلایلی مثل کوچ اجباری توسط شاهان ساسانی در مرکز و شرق امپراطوری ساکن می‌شده‌اند. جالب آنکه در شرق این شاهنشاهی مردمان زیادی، بودایی بوده‌اند که آثار بازمانده آن در بامیان افغانستان پار جاست و در تاریخ عباسیان و ماجرای برمکیان و هارون الرشید و

# برابری خواهی عرب؛ عنصری خودی در قلمرو ساسانی

دانش تاریخ، فرضیه تحمیل دین اسلام به ایرانیان را تایید نمی‌کند

## جنگ با دشمن فرضی

مخالفان پان ایرانیسم دچار مغالطه پهلوان پنبه هستند



فرزاد نعمتی خبرنگار گروه فرهنگ

نشان از این دارد که از نظر این ناقدان و نافیان، خطر آریایی‌گری بسی بیش از آن است که مقابله با آن دچار تعلل شود، بنابراین بهتر است هر چه زودتر دعای آن مورد بررسی قرار گیرد. کلاب مخالفان پان ایرانیسم این است که باستان‌گرایان ایرانی در پی بر ساختن تصویری مخدوش و تحریف‌شده از ایران باستان هستند؛ تصویری که در آن نژاد آریایی با برخورداری از زبانی سره و پاکیزه، بر فلات ایران حکمرانی می‌کرده است و این دوران بهشت برینی در ایران‌زمین بوده است، خالی از تعصب، فقر و فساد و آکنده از عدل، خرد، شادی و رفاه. این روزگار خوش اما یک‌بار با هجوم اسکندر مقدونی و باری دیگر با حمله اعراب به این سرزمین اهورایی به‌سرا آمده و جای خود را به مصیبت، بدبختی، استیلا، از خودباختگی، خرافات و... داده است.

واقع امر اما آن است که هر چه صدای این مخالفان پان ایرانیسم بلندتر می‌شود، ابهام‌ها نیز فزونی می‌گیرد. از برخی صداهای پراکنده در

فضاهای مجازی و افواه عمومی که بگذریم، کمتر دانشمند و پژوهشگر جدی در حوزه تاریخ ایران به‌خصوص تاریخ ایران باستان به چنین نکاتی که مخالفان پان ایرانیسم بدان‌ها اشاره می‌کنند، اعتقاد دارد و این طرز مواجهه مخالفان پان ایرانیسم با آن، بیشتر شبیه نزاع با دشمنی فرضی است. منظوم این است که بله، کسانی هستند که از اهمیت و حتی برتری تمدن ایران باستان بر بسیاری از دیگر تمدن‌های بشری تاکید می‌کنند اما حتی همان دسته نیز نه طرفدار نژادپرستی آریایی هستند، نه هوادار زبان سره. از این منظر می‌توان مدعی شد که مخالفان چیزی به‌نام پان ایرانیسم که برخی از نکات منسرج در متن‌های آنها نشان می‌دهد به‌طور کلی نگاهی منفی به تجربه تمدن ایران باستان دارند، دچار مغالطه پهلوان پنبه می‌شوند و در عوض ارائه تقریری دقیق از گزاره‌های مورد پذیرش علمی در میان ایران‌شناسان، تصویری فوق‌العاده شاذ از ایران پرستان ارائه می‌دهند که البته نقد و انکار آن نیز امری دشوار نیست؛ کما اینکه نقد نوشته‌های کسانی چون میرزاآقاخان کرمانی و فتحعلی آخوندزاده دیرزمانی است در ایران به دست بسیاری از همان طرفداران تمدن ایران باستان صورت گرفته است و اندک هستند کسانی که بکوشند با توسل به مباحث نظیر آنچه شوونیست‌ها و نژادپرستان مطرح بکنند، درصدد دفاع از تجربه ایران باستان برآیند.